

همایش علمی مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش های اجتماعی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((باهمکاری و حمایت معنوی دانشگاه رهنورد (استان بلخ، کشور افغانستان) - جهاد دانشگاهی استان تهران))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۷۸۸۶۴-۱۵۲۱/۳۳۰۱

تاریخ برگزاری همایش: ۱۳ خرداد ۱۴۰۰ شماره مقاله: ۱۹/۵۷۵ رده بندی کنگره: الف ۹۰۳/۷۰۰۱۵

ربا در بانک های دولتی، در شرایط اضطراری و غیر عادی اقتصادی

زیور مرادزاده

چکیده

نگاه انبزاری به عقود شرعی از مسائل مهم در بحث ربا محسوب می شود که از گذشته های دور، تحت عنوان «حیله های ربا» مورد بررسی دانشمندان مذاهب مختلف قرار گرفته است. امروزه این گونه نظر و نگاه به عقود شرعی در ربا، اهمیت بیشتری نسبت به قبل پیدا کرده است، زیرا از دیدگاه بنیان گذاران طرح بانکداری بدون ربا، عقود شرعی پیکره اصلی این طرح را تشکیل می دهد. بر اساس همین عقود است که بهره های بانکی از ربویت خارج می گردد. آنچه در این سمینار می آید، ارزیابی درستی و نادرستی نگاه انبزاری به ربا در بانکداری دولتی در شرایط اضطراری و غیر عادی اقتصادی کشور می باشد (حیله ربوی)، چرا که گونه پردازش به این مسئله فقهی، از اهمیتی که در نتیجه بررسی خود این فرع دارد، نشانگر سبکی ویژه و نگاهی خاص در بررسی های فقهی و اقتصادی است. حقیقت این است که اگر دیدگاه انبزاری به عقود شرعی را در سیستم بانکداری بدون ربا بپذیریم، در واقع ربا را به عنوان یک حقیقت موجود در ساختار اقتصادی جامعه پذیرفته ایم و این خود، سمت و سوی ویژه ای را در روند برنامه ریزی اقتصادی به دنبال دارد. به هر حال در این سمینار سعی شده است نگاه انبزاری به عقود شرعی و دلایل رد آن با استفاده از آیات و روایات مطرح و بررسی گردد.

واژگان کلیدی: ربا، حیله ربوی، عقود شرعی در ربا، بانکداری دولتی، شرایط اضطراری

در قرآن کریم درباره مخالفت و پرهیز از ربا، شدتی به کار رفته که کمتر در فروع دین پیشینه دارد. در اسلام، عدالت خواهی و ستم ستیزی، اصلی انکارناپذیر است. عدالت، معیاری کلی است که اسلامی بودن بیشتر فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان با آن ارزیابی کرد. رباخواری با این اصل در تضاد است و به همین دلیل، اسلام آن را تحریم کرده است (نجفی، بی‌تا: ۴۶۴). قرض ربوی، استثمار انسان و تضييع حقوق افراد فقیر از سوی ثروتمندان است. در آیات ۲۷۳ تا ۲۸۰ سوره بقره، خداوند پس از بیان حرمت ربا و ویژگی‌های روحی رباخواران و ذکر آثار آن، مؤمنان را از رباخواری بر حذر می‌دارد و آنها را از پی آمدهای رباخواری که اعلان جنگ با خدا و پیامبر است، آگاه می‌سازد (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۴۱). در نهایت، علت حرمت ربا را که همان ستم است، بیان می‌کند: «اگر از این کار زشت (رباخواری دست بردارید، اصل مال شما متعلق به خودتان است. در این صورت، نه به واسطه گرفتن اضافه ستم کرده اید و نه به دلیل نگرفتن اصل سرمایه ستم دیده اید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸۷). امام خمینی (ره) در سخنی جامع به جایگاه ربا چنین اشاره می‌کند: «و قد ثبتت حرمة بالکتاب و السنه و اجماع من المسلمین بل لا یبعد کونها من ضروریات الدین...؛ حرام بودن ربا به کتاب و سنت و اجماع همه مسلمانان، ثابت شده است، بلکه بعید نیست که از ضروریات دین باشد» (خمینی، بی‌تا، ص ۱۴۷). در متون دینی معتبر، با عنوان‌های گوناگون از زشتی ربا سخن به میان آمده و ربا خوار به شدت نکوهش شده است «اعلان جنگ با خدا»، «زشت تر از زناى محارم»، «خبیث ترین کسب‌ها»، و... از جمله تعابیری است که در کمتر حرامی می‌توان نمونه آن را جست (شافعی، ۲۰۰۲: ۱۶۹). مسلمانان در دوران‌های اخیر، پس از آنکه سلطه اسلام را در تمام شئون زندگی از دست دادند و در وضعی دوگانه میان قوانین غرب و تعالیم اسلام در ترکیبی عجیب و ناسازگار زیستند دست خوش تناقصی تلخ گشتند. ایشان از سویی به اسلام و قرآن ایمان دارند و شعائر دینی را برپا می‌دارند و در بسیاری از امور مدنی خود طبق احکام اسلام عمل می‌کنند؛ ولی از دیگر سو در زمینه‌های سیاسی، حقوقی آموزشی و اقتصادی به روش‌های منفور و غیر اسلامی رفتار می‌کنند (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۹۵۱). از جمله این روش‌ها، کاربرد

ربا در نظام بانکی است. تا بدانجا که زندگی اقتصادی ایشان رنگی یافته که از دیدگاه اسلامی مردود است و کار به جایی کشیده است که پاره ای از اندیشمندان مسلمان پنداشتند که نظام بانکی ربوی ضرورت ناگزیری است و این امر ایشان را بر آن داشته که در امور مسلم اسلامی تجدید نظر کرده و نصوص را تحریف کنند یا به سویی سوق دهند تا بتوانند بین احکام اسلام و آن نظام، هماهنگی به وجود آورند (فیض کاشانی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۱۹۸). یکی از حوزه های فقه، بیان رابطه اسلامی الهی انسان با اشیاء مادی، اسلوب حاکم بر داد و ستد، تولید و توزیع و گردش ثروت است که در روزگار ما، علم اقتصاد و رشته های وابسته عهده دار تبیین آن است. امروزه اقتصاد و معیشت چه درست چه نادرست، حرف اول را می زند. در چنین دنیایی اگر حکومت اسلامی معاش را سامان ندهد در استقرار معاد باوری ناکام خواهد ماند. به اعتقاد برخی از کارشناسان بانکداری، واقعیت این است که گرچه تلاش گردیده است با تنظیم عقود بانکی، بانکداری بدون ربا، اجرا گردد ولی در عمل اینگونه نبوده و عملاً ربا در عملکرد واقعی اما زیر پوستی بانک ها به چشم می خورد لذا اهمیت موضوع دو چندان بوده و لازم است اندیشمندان و دست اندرکاران جهت جلوگیری از افتادن جمهوری اسلامی ایران به تورهای نا پیدا و پیچیده غرب و آلوده شدن معیشت مردم به ربا اقدام شایسته و عاجل نمایند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۶۹۷). با توجه به اینکه روایاتی در زمینه مشروعیت استفاده از حيله های شرعی جهت فرار از ربا وجود دارد لیکن برخورد شدید قرآن و روایات با مسأله ربا باعث گردیده است دو دیدگاه متفاوت در خصوص استفاده از حيله های شرعی فرار از ربا بوجود آید بطوریکه تعدادی از فقها استفاده از حيله های شرعی برای فرار از ربا را مجاز دانسته و برخی فقها از جمله امام خمینی (ره)، در کتاب البیع، ج ۲، ص ۵۶۸، شهید صدر در کتاب البنك الاربوی فی الاسلام صص ۱۹۶-۱۸۲ و شهید مطهری رحمه الله در کتاب ربا، بانک بیمه مساله ربا، صص ۲۳۸ - ۲۶۱، استفاده از حيله های شرعی را جایز ندانسته اند به هر حال در این مقاله ابتدا به بحث صوری بودن برخی از قراردادهای بانکی می پردازیم پس از آن به دلایل رد نگاه ابزاری به عقود شرعی (حیل شرعی) در بانکداری اسلامی پرداخته و اجمالاً دلایلی که در این زمینه مطرح است را آورده سپس دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) را در زمینه

استفاده از حیل شرعی مطرح نموده در پایان نتیجه گیری و راهکارهایی که مد نظر می باشد ارائه خواهد شد.

بخش اول: بررسی و شناخت ربا

ادیان الهی دایره «ربا» را تاحد زیادی توسعه دادند آن را به گونه ای حتمی و جازم تحریم نمودند. در آیین یهود «ربا» در معاملات یهودیان با یکدیگر تحریم شده؛ هر چند گرفتن «ربا» از غیر یهودی برایشان جایز شمرده شده است. مسیحیت نیز «ربا» را ممنوع کرده است. در انجیل لوقا می گوید: «وقتی به کسانی که از آنها انتظار جبران دارید قرض می دهید؛ پس چه فضیلتی برای شماست!... و لکن... کارهای خیر کنید و قرض بدهید بدون آن که سودی از آن انتظار داشته باشید و آنگاه ثواب شما فراوان خواهد بود» (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۶۴۶). در اسلام حرمت «ربا» جزو ضروریات دین محسوب می شود (ترمذی، ۱۴۲۲: ۱۴۱)، به گونه ای که هر کس آن را حلال بشمارد در زمره کفار خواهد بود (خویی، بی تا: ۲۵۴). «ربا» در اسلام به دو قسم اصلی تقسیم می شود:

۱ - ربای معاملی.

۲ - ربای قرضی.

بند اول: ربای معاملی

اگر دو کالای همجنس به صورت غیرمساوی با یکدیگر مبادله شوند، این معاله ربوی است؛ و چنین ربایی «ربای معاملی» خواهد بود. به دیگر سخن، «ربای معاملی» عبارت است از معامله یک شیء با مثل آن همراه با زیادی عینی، مانند فروش یک کیلو برنج به دو کیلو از آن، یا زیادی حکمی، مانند فروش نقدی، یک کیلو برنج به یک کیلو از آن به صورت نسیه (خمینی، بی تا: ۵۴۵). بنابراین، یکی از ویژگیهای «ربای معاملی» اتحاد دو کالا در جنس است، و هرچه در نظر عرف بر آن نام برنج یا گندم یا خرما یا انگور صدق کند و یک جنس محسوب شود، فروش آن به تفاوت و تفاضل «ربای معاملی» خواهد بود؛ هرچند

در ویژگیها و خواص با یکدیگر فرق داشته باشند، پس فروش گندم پست به گندم اعلا به صورت متفاوت و همراه با زیادی «ربای معاملی» می باشد (خمینی، بی تا: ۵۳۷).

بند دوم: ربای قرضی

«ربای قرضی» را این گونه تعریف کرده اند: «کل قرض یجبر نفعاً فهو ربا» هر قرضی که منفعتی را جلب کند، رباست (نجفی، بی تا، ص ۱۵۹). این تعبیر هم موردی را شامل می شود که منفعت در قرض شرط شده باشد؛ و هم آنجا که بدون شرط قرض گیرنده منفعتی را به قرض دهنده برساند، ولی این عموم به و سیله برخی روایات به مورد اول اختصاص یافته است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۱۳: ۶۴۶)، و تنها در جایی تحریم شده که منفعت در قرض شرط شده باشد. از همین امر آشکار می گردد آن دسته از اخبار که دلالت می کند «خیر القرض الذی یجبر المنفعة» (بهترین قرض آن است که منفعتی را جلب کند). به موردی اختصاص دارد که منفعت در ضمن قرض شرط نشده باشد (زرقاء، ۱۹۹۴: ۵۸۷).

بخش دوم: گرایش نظام بانکی به حقیقت بهره (ربا)

برای نشان دادن این مطلب، لازم است به عملکرد بانکها در بخش اعطای تسهیلات توجه شود؛ چرا که بانکها مطابق قانون عملیات بانکداری بدون ربا، یا مالک سپرده ها هستند (در سپرده های دیداری و پس انداز) یا وکیل سپرده گذاران (سپرده های سرمایه گذاری)، و هرچه به صورت سود از طریق اعطای تسهیلات، به دست می آورند، پس از کنار گذاشتن سهم خود (در جایگاه مالک یا به صورت حق الوکاله)، بقیه را به صاحبان سپرده سرمایه گذاری می پردازند؛ پس اگر سود دریافتی بانکها از طریق اعطای تسهیلات، مشروع و از ربا خالی باشد، سهم بانک و سپرده گذاران نیز مشروع و خالی از ربا خواهد بود و اگر آن سودها ربوی باشد - همان طور که سهم بانک، ربوی می شود - سود اعطایی به سپرده گذاران نیز ربوی خواهد بود و در حقیقت، بانک به جای وکالت در دادن و گرفتن سود، در دادن و گرفتن ربا وکیل می شود (حکیم، بی تا، ص ۴۶۴). پس از اجرای قانون بانکداری بدون ربا، از میان عقود دوازده گانه اعطای تسهیلات به جهت این که

بانک‌ها موضوع عقود مزارعه و مساقات (زمین زراعی و باغ) را نداشتند، به این دو عقد، اصلاً عمل نشد. عقد خرید دین نیز به جهت وجود مشکلات فقهی از سال ۱۳۶۷ باز ایستاد؛ بنابراین، بانک‌ها افزون بر سرمایه‌گذاری مستقیم، از طریق هشت عقد فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، جعاله، سلف، اجاره به شرط تملیک و قرض‌الحسنه، به اعطای تسهیلات اقدام کردند. بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا نشان می‌دهد که بدبختانه نظام بانکی، نه تنها به سمت رهایی از حقیقت بهره پیش نرفته، بلکه با اتخاذ برخی روش‌ها و راه‌کارها به سمت آن کشیده شده است و این حقیقت تلخ را می‌توان در مسائل آینده به روشنی مشاهده کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۶۵۵).

بخش سوم: شواهد گرایش نظام بانکی به حقیقت بهره

پیش از بیان شواهد، یادآوری این نکته لازم است که در قانون عملیات بانکداری بدون ربا، شیوه‌های به‌کارگیری منابع بانک به‌لحاظ کیفیت تعلق سود، به پنج گروه تقسیم می‌شود.

- گروه اول، عقود مشارکتی (مشارکت مدنی، حقوقی و مضاربه) هستند. در این عقود، مطابق قانون، نسبت‌های تقسیم سود در قرارداد، تعیین، و نرخ سود انتظاری، پس از کارشناسی مشخص می‌شود؛ اما نرخ سود قطعی بعد از انجام فعالیت اقتصادی و مشخص شدن سود واقعی به‌دست می‌آید (خمینی، ۱۳۹۷، ج ۵: ۱۴۶).

- گروه دوم، عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) است. سود آن‌ها هنگام معامله به‌صورت قطعی معین می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۵۵).

- گروه سوم، عقود با بازده متغیر (سلف و جعاله) است که در آن‌ها، سود قطعی بانک، پس از پایان دوره مالی و براساس قیمت‌های پایان‌دوره و هزینه‌های تمام‌شده تعیین می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۴۰).

- گروه چهارم، عقد قرض الحسنه که ماهیت خیرخواهانه داشته، بانک در برابر کاری که انجام می دهد، کارمزد می گیرد و سودی بابت خود پول قرض داده شده دریافت نمی کند (شهیداول، ۱۴۱۰: ۵۴).

- گروه پنجم، سرمایه گذاری مستقیم است. در این روش، بانک بخشی از منابع را به طور مستقیم، سرمایه گذاری، و به فعالیت اقتصادی اقدام می کند. سود بانک در این روش، همانند عقود مشارکتی به سود واقعی فعالیت، بستگی دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۶۴۱).

آشنایان با مسائل نظری بانکداری اسلامی می دانند که این روش ها همگی از جهت فقهی مورد قبول بوده، جایزند؛ اما از میان آن ها فقط عقود مشارکتی، سرمایه گذاری مستقیم و قرض الحسنه با اهداف بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی تناسب کامل داشته، با حکمت تحریم ربا منطبق و از حقیقت ربا و بهره در بازار سرمایه دور است و عقودی چون فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، گرچه در بازار کالاها و خدمات، جایگاه منطقی و قابل دفاعی دارند، در بازار پول و سرمایه در عمل، دارای ماهیتی شبیه وام و اعتبار ربوی هستند (موسویان، ۱۳۸۰: ۱۶۷)؛ در نتیجه، هر چه سهم عقود مشارکتی، سرمایه گذاری مستقیم و قرض الحسنه بیش تر باشد، به حقیقت بانکداری اسلامی نزدیک تر می شویم و برعکس، هر چه سهم آن ها کم تر شود، به حقیقت ربا و بهره نزدیک تر می شویم.

بخش چهارم: بانکهای با مدیریت دولتی

شکل گیری از بانکهای مرسوم در دنیا بانکهای با مدیریت دولتی است. در این بانکها نیز منابع عمده و اصلی بانک از طریق سپرده های مردم شکل می گیرد و از جهت نوع کار و روابط حقوقی هیچ تفاوتی با بانکهای خصوصی ندارند، یعنی منابع مالی را در اختیار صاحب کاران اقتصادی قرار داده، بهره می گیرند، سپس بخشی از آن را به سپرده گذاران داده و مابقی را به عنوان سود بانک، به خزانه دولت واریز می کنند (بهشتی، ۱۳۷۹: ۲۰-۱۷). هدف از تشکیل چنین بانکهایی در پاره ای از کشورها، جلوگیری از زیاده روی و

ستم بانکهای خصوصی، در دریافت و پرداخت بهره بانکی است. به این معنی که بانکهای خصوصی برای رسیدن به سود بیش تر، به طور معمول بهره بالاتر از صاحب کاران اقتصادی می گیرند و از دیگر سوی، بهره کم تری به سپرده گذاران می دهند. برای رفع این مشکل در برخی کشورها، بانکهای با مدیریت دولتی شکل گرفت در عین حال باید توجه داشت که بهره پرداختی این بانکها به سپرده گذاران، نباید کم تر از مؤسسه های رقیب باشد وگرنه در اندک زمانی مردم سپرده های خود را از این بانکها خارج کرده و به سمت بانکهای خصوصی، مؤسسه های پولی غیر بانکی، بازار غیر رسمی پولی، بانکهای خارج از کشور برده و یا به خرید و احتکار کالاهای ضروری دست خواهند یازید (موسویان، ۱۳۸۰: ۱۷۷).

بند اول: بانک‌های با سرمایه دولتی

گونه ای از بانکها، این است که بانکی با سرمایه و منابع مالی دولت (بیت المال) تشکیل شود و با واگذارن آن به صاحبکاران اقتصادی، نیاز مالی تلاشها و کوششهای اقتصادی کسان و بخش خصوصی را فراهم سازد. این بانکها که گویا استاد معرفت در صدد جایز دانستن بهره بانکی آنهاست، گذشته از مشکل ربا که شرح می دهیم، چند اشکال اساسی دارد (البته احتمال این هم می رود که مقصودشان بانکهای با مدیریت دولتی باشد که بررسی می کنیم) (موسویان، ۱۳۸۰: ۱۸۱). نخست آنکه چنین بانکی انگاری بیش نیست. امروزه، در این جهان پهناور با گونه گون نظامهای اقتصادی، هیچ کشوری پیدا نمی شود که دولت آن سرمایه های خود را به بانکی بسپارد تا به گونه وام و اعتبار در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد، بلکه جریان برعکس است، در بیش تر کشورها، دولتها برای اجرای طرحهای زیربنایی و بزرگ اقتصادی، با گوناگون راه ها و روشها پس اندازهای مردم (بخش خصوصی) را جذب می کنند و گاهی به آن نیز بسنده نکردند، به وام گرفتن از خارج روی می آورند. برای مثال یکی از خرده گیریها به دولت جمهوری اسلامی ایران این است که از یک سو شعار خصوصی سازی می دهد و از دیگر سوی، با استفاده از اعتبارهای بانکی، بخش بزرگی از سرمایه های بخش خصوصی را به سوی طرحهای

اقتصادی دولت می کشاند. پس چنین بانکی که استاد درصدد روا دانستن بهره اش است، انگاره ای بیش نیست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۰: ۵۴۶).

دو: چنین بانکی بر فرض هم روزی شکل بگیرد، توان تحقق آن بایستگی اجتماعی اقتصادی که از بانکها انتظار می رود (آماده سازی پس اندازهای سرگردان و دگر کردن آنها به سرمایه های مفید و زاینده اقتصادی) را ندارد، چون در چنین بانکی جایی برای سپرده های مردم نیست. از این روی، در اصطلاح به چنین مؤسسه ای نمی توان اسم بانک نهاد. اگر مقصود استاد بانکهای نوع دوم باشد، گفتیم ماهیت دادوستدهای آنها، همانند بانکهای خصوصی است، با این فرق که چون خیلی به فکر سود خود بانک نیستند، شاید یک یا دو درصد از خواستاران وام، کم تر بهره خواهند گرفت (چون فرق بهره دریافتی و پرداختی در بانکهای خصوصی خیلی کم پیش می آید که از سه درصد بیش تر باشد) اما بهره پرداختی به سپرده گذاران نمی تواند کم تر باشد وگرنه بانک منابع مردمی خود را از دست می دهد (همان).

بخش پنجم: صوری شدن قراردادهای بانکی نتیجه نگاه ابزاری به عقود شرعی

نگاه ابزاری به عقود شرعی در بانکداری بدون ربا، موجب شده که کارگزاران بانکها و حتی مشتریان آنها به سوی صوری کردن قراردادهای بانکی سوق داده شوند، چرا که غرض جلدی در خصوص عقود مورد نظر وجود ندارد (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۳۸). در حال حاضر بخش قابل توجهی از عملیات سیستم بانکی صوری است. به عنوان مثال جهت تعمیر مسکن با استفاده از عقد جعاله، تسهیلاتی داده می شود در صورتیکه بانک که عامل جعاله است تنها به متقاضی پول می دهد در حالی که شخصی که تسهیلات را گرفته یا مسکن ندارد یا اساساً آنرا برای تعمیر مسکن هزینه نمی کند و برای مصارف دیگری استفاده می نماید همچنین وکیل کردن مشتری برای خرید، نیز یکی دیگر از آسیب های موجود در سیستم بانکی محسوب می شود. بانک نباید مشتری خود را برای خرید در فروش اقساطی وکیل قرار دهد. در حال حاضر بسیاری از کسانی که تسهیلات بانکی را از طریق فروش

اقساطی می‌گیرند، به خرید کالای مورد نظر اقدام نمی‌کنند و پول بازگشته به بانک ناشی از فروش نیست. برای کنترل و نظارت بر این کار، ابزارهای مختلفی وجود دارد که سیستم بانکی ما از استفاده از آن ابزارها محروم است. بهره تأخیر تسهیلات بانکی نیز از مصادیق بارز ربا به حساب می‌آید چرا که تأخیر در پرداخت تسهیلات یعنی اینکه واحد دریافت‌کننده تسهیلات نتوانسته است به سود برسد و دچار زیان شده است و در این صورت بانک نیز به عنوان شریک در مضاربه و یا هر نوع عقود دیگر می‌بایست در این ضرر شریک باشد اما می‌بینیم که در هر حال بانک سود ثابت می‌گیرد و اضافه بر آن نیز بهره دیر کرد هم می‌گیرد (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۳۷). این نوع اقدام بدون شک ربا می‌باشد و عجیب است که تاکنون پیرامون راه حل این مشکل حاد کمتر سخن گفته شده است و با مرور طرح‌های نظام بانکی بدون ربا کمترین اشاره‌ای به این مسئله حساس و دامنگیر جامعه نگردیده است (همان). آنچه در قانون بانکداری بدون ربا دنبال شده است، تفکر جایگزین بانکداری بدون ربا با بانکداری متعارف ربوی است شیوه تطبیقی که در نوع خود یک انفعال مزمن است که به دیگر عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز راه یافته است و تصور می‌کند که با تغییر نام و تبدیل ابزار، ماهیت آنها نیز تغییر می‌کند. با این تلقی، بهره به سود، اوراق قرضه به اوراق مشارکت، تنزیل مجدد به خرید دین تبدیل شده و همراه با صوری شدن قراردادهای بانکی، اقتصاد متعارف در تار و پود نظام بانکی جای گرفته است. از این منظر اگر چه در برخی موارد توانستیم ظاهر معاملات بانکی را تغییر دهیم اما در عین حال از عوارض بطنی و ماهیتی متغیرهای غیر اسلامی در امان نبوده ایم (شیرازی، ۱۳۶۸: ۱۳۲). حذف ربا از نظام بانکداری متعارف ممکن نیست مگر اینکه ساختار آن کاملاً متحول شود. بهره، پایه و اساس این نوع بانکداری است و نمی‌توان پوخته بانکداری منتسب به سرمایه‌داری را بدون هسته اصلی آن به کار گرفت. برخورد التقاطی با نظام بانکی باعث شده است که عملیات بانکی به شدت به سمت مبهم و پیچیده شدن برود و قراردادها نیز کاملاً صوری شده و به سبب بالا رفتن هزینه‌های نظارت، کنترل، نیز کاملاً حذف شود (شیرازی، ۱۳۶۸: ۱۴۱). در نتیجه قانون عملیات بانکی بدون ربا، به طور عمده متفاوت از خود قانون، در مقام عمل و اجرا به کار گرفته شده است. نمی‌خواهیم بگوییم تناقض کاملی میان قانون و

عملکرد است اما می توان گفت تا حدود زیادی عملکرد متفاوت از قانون بوده است و این باعث گردیده بسیاری از مردم و حتی کارگزاران بانکی تفاوت معناداری بین نظام بانکداری اسلامی و نظام بانکداری مبتنی بر ربا احساس ننمایند (همان). قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شهریور ماه سال ۱۳۶۲ تصویب و از ابتدای سال بعد به اجرا گذاشته شد. قانونی که انتظار می رفت دامن نظام اقتصادی حکومت نوپای جمهوری اسلامی را از ربا ناکارایی و بی عدالتی پاک کند و مایه رشد اقتصادی و پیشرفت و ترقی جامعه شود. اکنون بیشتر از سی و یک سال از اجرای آن قانون امید بخش می گذرد و نظام بانکی نتوانسته است به همه اهداف خود برسد. چار که اندیشه استفاده ابزاری از عقود، برای دست اندرکاران بانک ها و مشتریان آنها امری نا آشنا و غیر قابل فهم بوده و این نوع از بانکداری، طرحی است که به نظر می رسد برای مردم آن طور که باید و شاید به عنوان بیشترین استفاده کنندگان تسهیلات مالی از آن، قابل لمس نبوده از طرفی هنگام دریافت تسهیلات، هیچ کس به قراردادی که با طرف مالی خود (بانک یا مؤسسه اعتباری) می بندد توجه نمی کند همین عدم اشراف به قرارداد و ماهیت آن، بسیاری شبهه ها و نکته ها را پیرامون بانکداری ما بوجود آورده است. سودهای پرداختی به تسهیلات بانکی و سپرده های سرمایه گذاری مردم، در حالی در نظام بانکداری و سیستم های پولی - اعتباری ما رواج یافته که سعی کارگردانان این سیستم، پیروی از نظام بانکداری اسلامی بوده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱: ۶۵۱). اما این نوع از بانکداری، طرحی است که به نظر می رسد سعی کارگردانان این سیستم، استفاده ابزاری از عقود شرعی صرفاً جهت برطرف نمودن شکل ربا بوده است و از ماهیت اصلی عقود غافل مانده اند. به عنوان مثال عقد مشارکت یکی از عقود مورد استفاده در این سیستم می باشد. در این شیوه، مشتری سپرده خود را به بانک واگذار می کند و نیت او نیز مشارکت واقعی است، یعنی ممکن است او ضرر ببیند یا صاحب سود شود. از طرف دیگر شخصی هم که گیرنده تسهیلات است آن را در فعالیتی سرمایه گذاری می کند تا به نیت خود که تقسیم سود و زیان با سپرده گذار است، دست یابد. در این بین بانک به عنوان واسطه عمل می کند و با دریافت وثیقه و وکالت از طرفین، به تنظیم قرارداد می پردازد. در روش مشارکت به سپرده گذار گفته می

شود که پول معینی را به عنوان سود سپرده دریافت خواهد کرد. این در حالی است که در پایان سال مالی، سود مازاد وی نیز علاوه بر سود قبلی و براساس ترازنامه به وی پرداخت خواهد شد. بنابراین می توان این امر را مشابه روش های ربوی دانست، حتی برای کسی هم که از بانک، اعتبار می گیرد این مشکل وجود دارد، چرا که قاعدتا باید به او گفته شود که پس از انجام فعالیت ها و مشخص شدن نتیجه، سود و زیان تعیین و سود حاصله تقسیم خواهد شد (غنی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۴۶). پس در چنین شرایطی نیز شبهه ربا وجود دارد، به هر حال بانکداری فعلی کشور، یعنی بانکداری بر اساس عقود، به دلیل آنکه بدون تغییر در ساختار و زیربنا در قالب بانکداری ربوی ریخته شده، برای بانکدار شبهه ایجاد کرده است، البته این شبهه در عملکرد مشتری هم وجود دارد (غنی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۵۱). شخصی که از بانک تسهیلات می گیرد، در عقد مشارکت واقعی باید بانک را در سود شریک کند، بدین معنا که در دفاتر حساب، جایی برای سود شریک در نظر گرفته شود، در حالی که در عمل، اینگونه نیست و در دفاتر و حساب های گیرنده تسهیلات، سود پرداختی به بانک، بابت هزینه عملیات بانکی ثبت می شود، یعنی مشتری هم براساس مشارکت در سود و زیان با بانکدار رفتار نمی کند و عمل او شبیه به رباست. بنابر این بار دیگر به این واقعیت می رسیم که ساختار بانکداری ما با وجود چنین مشکلاتی، قالب بندی، شکل و ساختار شبه ربوی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۲۴۴). در عقود مشارکتی (مثل مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه، مساقات) هیچ گونه نرخ را نمی توان از قبل وضع کرد و از گیرنده تسهیلات مطالبه کرد، چرا که مشارکت دیگر معنا پیدا نمی کند، مشارکت در سود و زیان است، لااقل در مورد صاحب سرمایه این در همه موارد صدق پیدا می کند، اگر زانی وارد شود صاحب سرمایه هم باید از این زیان سهمی ببرد ولی عقود مشارکتی در بانکداری به گونه ای ساماندهی شده است که پذیرای هیچ گونه نوسان سود نیستند تا چه رسد به تحمل زیان. قانون عملیات بانکی بدون ربا هم این اجازه را داده است که بانک حداقل نرخ را برای ارزیابی کارشناسی مبنا قرار دهد اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد و مطالبه این حداقل از مشتری، بدون توجه به مقدار سود و زیان بوده است و این مسأله بر خلاف روح مشارکت است (فرزینوش و همکاران، ۱۳۸۱: ۶۰). مواردی که به آن ها اشاره شد در کنار برخی

علل و عواملی که شرح و بسط آن از حوصله این مقاله خارج است موجب شد بانک ها به تدریج از ماهیت قانون بانکداری بدون ربا فاصله بگیرند تا جایی که باعث شد امروزه بسیاری از بانکداران کشور زبان به انتقاد بگشایند و ماهیت آن را به دور از اهداف و آرمان های واضعان قانون مذکور بدانند.

بخش ششم: رد نگاه ابزاری به عقود شرعی در ربا (حیله ربوی)

آیا می توان با تغییر شکل معامله، به همان نتیجه ای که از طریق «ربای قرضی» یا «ربای معاملی» حاصل می شود، دست یافت. بدون آنکه عمل مزبور از نظر اسلام مواجه با منع شرعی و حرمت باشد؟ نگاه ابزاری به عقود شرعی از مسائل مهم در بحث ربا محسوب می شود که از گذشته های دور، تحت عنوان «حیله های ربا» مورد بررسی دانشمندان مذاهب مختلف قرار گرفته است و در روایات نیز، راویان سوالاتی در این مورد نقل کرده اند. آیا در پذیرش این گونه نگاه ابزاری، می توان با استناد جستن به یک یا چند دلیل فقهی و روایی، آسوده خاطر بود؟ چگونه است که برخی از فقیهان، چون امام خمینی (ره) در ارزیابی ادله قرآنی و روایی، چشم انداز گسترده ای را می نگرند، ولی برخی دیگر را می توان یافت که با بررسی سند و دلالت یک روایت، راه یا راههایی را برای گریز از ربا پیش می نهند و هیچ معیار دیگری را در این باره نمی بینند. می بینیم که کاوش در زمینه نگاه ابزاری به عقود شرعی در ربا، گذشته از اینکه خود یک مسئله سودمند فقهی است، از جنبه روش شناسی کار فقهی و سبک شناسی اجتهاد فقیهان نیز مهم است. جنبه دیگر اهمیت این مساله آن است که اهمیت پذیرش یا دوری گزیدن از ربا در ساختار اقتصادی یک جامعه، نیازی به درازای سخن ندارد. بدینسان باید تکلیف مساله مهمی چون ربا روشن شود. امروزه این گونه نظر و نگاه به عقود شرعی در ربا، اهمیت بیشتری نسبت به قبل پیدا کرده است؛ زیرا از دیدگاه بنیانگذاران طرح بانکداری بدون ربا، عقود شرعی پیکره اصلی این طرح را تشکیل می دهد. بر اساس همین عقود است که بهره های بانکی از ربوبیت خارج می گردد. سوای این عقود، این طرح شالوده و اساس خود را از دست می دهد. حال سوال اساسی این است که آیا عقود شرعی به عنوان چاره و حیل می تواند وسیله تحلیل ربا باشد

یا نه؟ آیا این عمل، حرام را حلال می‌کند و ماهیت حرام را تغییر می‌دهد یا نه؟ فقهای شیعه در این مورد اختلاف نظر دارند؛ بعضی آن را پذیرفته‌اند و تحت عنوان «طرق تخلص از ربا» در کتب فقهی مطرح نموده‌اند. آنان با استناد به عمومات «اوفوا بالعقود»، «احل الله البیع» و «المؤمنون عند شروطهم» قائل به جواز هستند (خویی، بی‌تا: ۵۴۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۵۴). مخالفان حیل‌های شرعی با در نظر داشتن بزرگی گناه ربا و با توجه به این که احکام شرعی دارای ملاک و مصالح و مفاسد واقعی هستند و ربا نیز به دلیل مفاسد زیان‌باری که در اقتصاد و داد و ستدها دارد، حرام شده است، بر این عقیده‌اند که نمی‌توان با یک تغییر جزئی و ظاهری، زشتی و مفاسد آن را از میان برد (شافعی، ۲۰۰۲: ۵۹۷). آیا راه‌های گریز از غیبت، تهمت، دروغ و مانند آنها نیز به همین سادگی پذیرفتنی است یا ربا در حرام بودنش سبک‌تر از آنهاست؟ به هر حال در مقابل مجوزین، همانگونه که قبلاً اشاره کردیم عده‌ای از فقهاء قائل به عدم جواز حیل شرعی شده و به دلایل زیر تمسک کرده‌اند:

- دلیل اول: باید دید آیا حیل در احکام شرع جایز است یا نه؟

یک وقت شخص حیل می‌کند به این معنی که خود را از موضوعی به موضوع دیگر خارج می‌کند، مثلاً سفر می‌کند تا نماز را قصر کند و روزه را افطار کند این جایز است، زیرا که در حقیقت بر خلاف غرض شارع عمل نکرده است. شارع خودش در مورد حضر حکمی وضع کرده است و در مورد سفر حکمی دیگر و مانع نشده است از سفر اختیاری، ولی اگر می‌خواست مانع شود و مثلاً بگوید در ماه رمضان سفر نکنید و می‌توانست ولی نخواست است. ولی یک وقت حیل، مبارزه با غرض مقنن است و در حقیقت کلاه بر سر شارع گذاشتن است (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۶۴). مثال این نوع حیل در قوانین بشری حیل‌هایی است که تجار برای فرار از مالیات در تنظیم دفتر انجام می‌دهند که مبارزه با غرض مقنن است. زیرا شکی نیست که غرض مقنن، وصول مالیات است، ولی چون صورت کار وی قانونی است نمی‌توانند بر او ایراد بگیرند و لذا قوانین را تغییر می‌دهند، تا شاید جلو فرار از مالیات را بگیرند. مثال این نوع حیل در احکام شرعی، همین چل ربا است واضح است که شارع خواسته است رباگیر، ربا (یعنی زیاده) نگیرد و در حیل‌های ربوی، اخذ

زیاده می شود و با غرض شارع مبارزه می گردد (علم الهدی، ۱۴۱۰، ج ۱۶: ۸۸). خلاصه اینکه تأمین اغراض شارع در جایی که غرضش معلوم است لازم می باشد. اینکه فقهاء فرموده اند: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» و عقل را یکی از ادله فقه دانسته اند جز این معنی و موردی ندارد. حکم عقل یک نوع بیان است. و لذا تأمین اغراض واجب، به حکم عقل واجب است و حيله هایی که از این نوع است در شرع جایز نیست. حيله ربوی موجب نقص غرض است و این عقلا قبیح است. اگر بگوئیم این حيله ها جایز هستند، معنایش این می شود که شارع به آنچه می گوید اعتقاد ندارد. به طور صوری و ظاهری ربا را تحریم می کند، سپس ارتکاب آن را از طریق حيله های شرعی تجویز می کند.

- دلیل دوم: از قرآن مجید استفاده می شود.

ملاک حرمت ربا «ظلم» است؛ «لا تظلمون ولا تظلمون» (بقره: ۲۷۹). و روشن است که این ظلم، چیزی جز ظلم رباگیرنده بر ربا دهنده نیست و همین نکته از آیه «لیربوا فی الأموال الناس» (روم: ۳۹) و آیه «لا تأکلوا الربا اضعافا مضاعفه» (آل عمران: ۱۳۰) (که در مقام تفسیر است) نیز فهمیده می شود. این ملاک قطعی و مورد تصریح قرآن کریم است و با حيله های ربا این ظلم برداشته نمی شود، زیرا ماهیت عمل از لحاظ اقتصادی فرق نمی کند لذا به طور قطع این حيله ها صحیح نیست. حتی تعلیل مسلم و معروف روایات؛ «لئلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف» که خلاصه اش این است که تحریم را موجب می شود که باب قرض الحسنه سد نشود (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۷۷)، آیا با این حيله ها مردم از قرض الحسنه امتناع می کنند یا نمی کنند؟ این حيله مبارزه با غرض شارع است نه تبدیل موضوعی به موضوعی دیگر. روایات دال بر جواز حيله اگر توجیه نشود، معارض با قرآن است و قابل اعتماد نیست. این رأی با روش فقهاء مطابقت دارد. زیرا در نزد فقهاء مسلم است که روایاتی که معارض با صریح قرآن باشد، مطروحه است. البته ممکن است این تعارض برای برخی پوشیده باشد (مجلسی اول، بی تا، ج ۹: ۴۶۴).

- دلیل سوم: در حدیث نبوی آمده است که: «الاعمال بالنیات».

با توجه به این روایت، معیار در اعمال، نیت و قصد است و یکی از شرایط عمومی تمام تکالیف شرعی، قصد جدی است، در حالی که در مسأله حيله، قصد جدی وجود ندارد. در حيله های شرعی قصد طرفین در معامله، همان معامله ربوی است. و در واقع دهندهی مقدار زیادی و گیرنده آن از اول قصدشان این بود که اخذ زیادی به عنوان سود و منفعت است و معامله به قصد اخذ سود جاری شده است و اگر ربا و زیادی در بین نمی بود اصلا معامله واقع نمی شد (فیض کاشانی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۱۴۷). کسی که یک من برنج خوب را در مقابل یک من برنج نامرغوب می فروشد. و طرف مقابل یک من برنج نامرغوب دیگر به او هبه می کند، قصد جدی بر این همه ندارد، بلکه قصد جدی آنها معاوضه یک من برنج خوب با دو من برنج نامرغوب است و هبه بهانه است. یا بعضی از مؤسساتی که در وام های قرض الحسنه سود و بهره را به عنوان کارمزد می گیرند، قصد جدی آنها کارمزد نیست بلکه سود و بهره است و نام آن را تغییر داده اند؛ بنابراین معاملات فوق که در قالب بیع، هبه، مصالحه، ضم ضمیمه و مانند آن صورت می گیرد، صحیح نیست، چون قصد جدی در آن وجود ندارد (مرطان، ۱۴۲۲: ۶۵۴). کوتاه سخن اینکه ما عموماً و اطلاعات را قبول داریم و به اصطلاح در مورد کبرای مسأله نزاعی نداریم ولی معتقدیم صغرای مسأله مشکل دارد، یعنی در بخش مهمی از حيله های ربا قصد جدی نیست و از عقود به عنوان وسیله و ابزار در تحلیل ربا استفاده می شود و شرایط لازم برای معامله را ندارد چون یکی از شرایط که دارا بودن قصد جدی است، در اینجا حاصل نیست (مجلسی، ۱۴۰۶: ۴۴۴). در اینجا اگر بپذیریم که قصد جدی وجود دارد، ولی به یقین چنین معامله ای عقلایی نیست. در کجای دنیا و کدام عاقل، یک قوطی کبریت را با قیمت گزاف معامله می کند؟ بنابراین، چنین معامله ای عاقلانه و منطقی نیست، بلکه شوخی یا سفهی است. روشن است که اگر معامله عقلایی نباشد، مشروع نیست؛ چون منظور از «اوفوا بالعقود» عقدهای عقلاییه متعارفه است، همچنان که منظور از بیع در «احل الله البیع» معاملات عقلاییه متعارفه است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۳: ۴۴). در اینجا سؤالی مطرح می شود و آن اینست که آیا در شریعت اسلام، قیمت کالاها سقف معین و مشخصی دارد؟ و هر کسی موظف است که از آن قیمت بالاتر

فروشد؟ یا اینکه قیمت کالاها محدود نیست و به مقتضای «تجاره عن تراض» منوط به رضایت و توافق فروشنده و خریدار می باشد. پاسخ این است که هر کس آزاد است که کالای خود را به هر قیمتی بفروشد. البته اگر حکومت اسلامی، روی مصالحی لازم بیند در زمان خاصی نرخ گذاری کند، مراعات آن لازم است، ولی در کالاهایی که مشمول نرخ گذاری نیست، معیار توافق طرفین است؛ هر چند رعایت عدل و انصاف در همه حال توصیه شده است. درست است که قیمت کالا حد خاصی ندارد، ولی تا آنجا می توان قیمت آن را بالا برد که معقول باشد؛ بنابراین، اگر در معامله، قیمت نامعقولی مورد توافق قرار گیرد، آن معامله سفهی و باطل است. در مثال بالا نیز معامله غیر معقول و سفیهانه است و مجاز نمی باشد. به تعبیر روشن تر، قیمت کالا تا حدی مجاز است که معقول باشد؛ بنابراین، اگر به حدی برسد که معقول نباشد و مردم، خریدار چنین کالایی را به قیمت مذکور، سفیه بدانند، چنین معامله ای سفیهانه و باطل خواهد بود. نتیجه این که چنین معاملاتی عقلایی نیست و مشمول عمومات و اطلاعات نمی شود.

- دلیل چهارم: تعلیلی که در بعضی روایات برای تحریم ربا آمده، حیل شرعی را نیز تحریم می کند. این علت ها با حيله های فرار از ربا سازگار نیست:

ورد عن هشام بن الحكم انه سال ابا عبدالله (ع) عن عله تحریم الربا، فقال: لو كان الربا حلالا لتری الناس التجارات و ما يحتاجون اليه، فحرم الله الربا لينفر الناس من الحرام الى الحلال، و الى التجارة و البيع و الشراء» (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۶). واضح است که عمل تجارت ماهیتی دارد و عمل رباخواری ماهیتی دیگر، و روشن است که تفاوت این دو عمل در ماهیت و حقیقت است نه در صیغه فقط. فسادی که در رباخواری وجود دارد، این است که رباخوار تجارت نمی کند و لو آنکه صیغه بیع را جاری کند. عمل تجارت این نیست که بنشیند و دائما با ربا دهندگان صیغه بیع را اجرا کند و گرنه وکلا در اجرای صیغه، تجار حقیقی بودند. طبق این روایت، یکی از فلسفه های تحریم ربا، جلوگیری از مفتخواری، رواج تجارت و کار و کسب است و روشن است که با به کاربردن حيله های شرعی فرار از ربا،

نه تنها تجارت رواج پیدا نمی‌کند، بلکه تعطیل خواهد شد و مفتخواری و رباخواری همه جا رواج می‌یابد؛ بنابراین، راههای فرار از ربا مشروع نیست (شهیداول، ۱۴۱۰: ۱۴۱).

- دلیل پنجم: برای عدم جواز حيله‌های شرعی به آیه ذیل استدلال شده است:

«وَسْتَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَهُ الْبَحْرُ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِثَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (زبیدی، بی‌تا، ج ۱۷: ۹۸۷). این سرگذشت چنانچه در روایات اسلامی به آن اشاره شده مربوط به جمعی از بنی اسرائیل است که در ساحل یکی از دریاها (ظاهراً دریای احمر بوده که در کنار سرزمین فلسطین قرار دارد) در بندری به نام «ابله»، که امروز به نام بندر ایلات معروف می‌باشد، زندگی می‌کردند و از طرف خداوند به عنوان آزمایش و امتحان دستوری به آنها داده شد. آن اینکه صید ماهی را در آن روز (شنبه) تعطیل کنند اما آنها با آن دستور مخالفت کردند و گرفتار مجازات دردناکی شدند (مطهری، ۱۳۸۷: ۵۵۵). در اینکه این جمعیت، قانون شکنی را از کجا شروع کردند، در میان مفسران گفتگو است. از بعضی از روایات چنین استفاده می‌شود که نخست دست به حيله به اصطلاح شرعی زدند و در کنار دریا حوضچه‌هایی ترتیب دادند و راه آن را به دریا گشودند و روزهای شنبه راه حوضچه را باز می‌کردند و ماهیان فراوان همراه آب، وارد آنها می‌شدند. اما به هنگام غروب که می‌خواستند به دریا باز گردند، راهشان را محکم می‌بستند. سپس روز یکشنبه شروع به صید آنها می‌کردند و می‌گفتند: خداوند به ما دستور داده است صید ماهی نکنید، ما هم صید نکرده ایم بلکه تنها آنها را در حوضچه‌ها محاصره نموده ایم. گرچه در آیه مذکور تصریح به حيله گری اصحاب سبت در زمینه گناه نشده است، ولی بسیاری از مفسران در شرح این آیه اشاره به داستان کندن حوضچه‌ها و یا نصب قلاب‌ها در دریا در روز شنبه کرده‌اند و در روایات اسلامی نیز این موضوع دیده می‌شود (ابن عابدین، ۱۳۹۹، ج ۴: ۴۱۴). در روایتی از امام سجاد آمده است: «کان هولاء قوم یسکنون علی شاطی، بحر نهامهم الله و انبیاءه عن اصطیاد السمک فی یوم السبت فتوصلوا الی حيله لیحلوا بها لانفسهم ما حرم الله...» (حرعاملی، ۱۳۸۷: ۴۶۴). مجازات و کیفر الهی که با شدت درباره این گروه

جاری شد، نشان می دهد که چهره واقعی گناه هرگز با دگرگون ساختن ظاهر آن و به اصطلاح کلاه شرعی درست کردن دگرگون نمی شود. حرام، حرام است خواه صریحا انجام گیرد یا زیر لفافه های دروغین و عذرهای واهی. بعضی از مفسران با استناد به آیه سبت، حيله های شرعی را امری باطل می دانند، چرا که موجب تعطیل شرع مقدس الهی می شود. عیب بزرگی که این عمل دارد - علاوه بر زشت نشان دادن چهره مذهب - این است که گناه را در نظرها کوچک می کند و از اهمیت آن می کاهد و افراد را چنان جسور در برابر گناه می سازد که پس از انجام این گونه کارها، کم کم آماده برای انجام گناهان به طور صریح و آشکار می شوند (الجزیری، ۱۴۱۹، ج: ۵، ۸۱).

بخش هفتم: دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در مورد استفاده ابزاری از عقود در ربا

امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران از جمله کسانی است که به تحریم ربا در هر قرض و همچنین به حرمت هر معامله ای که برای فرار از ربای قرضی انجام پذیرد، فتوا می دهد. ایشان در «کتاب البیع» به علت اهمیت مسأله، به رغم اینکه این بحث را از سیاق بحث خود بیرون می داند، بدان می پردازد و می گوید: «ان الربا مع هذه التشدیدات و الاستنکارات التي ورد فيه فی القرآن الکریم و السنه من طریق الفريقین مما قل نحوها فی سائر المعاصی و مع ما فيه من المفساد الاقتصادي والاجتماعی و السياسي، مما تعرض له علماء الاقتصاد كيف يمكن تحليله بالحيل الشرعيه كما وردت بها الاخبار الكثيرة الصحیحه و افتی بها الفقهاء الا من شد منهم و هذه عویصه بل عقده فی قلوب كثير من المتفكرين و اشكال من غير متتحلی الاسلام علی هذه الحکم و لابد من حلها و التثبت له بالتعبد فی مثل هذه المسئلة التي ادرکت العقول مفساد تجویزها و مصالح منعها بعيد عن الصواب» (خمینی، ۱۳۹۷، ج: ۵، ۴۶۴). امام (ره) بحث در این باره را با طرح این پرسش آغاز می کند که چگونه می توان آن سان که اخبار صحیح فراوانی در این باره آمده و بسیاری از فقیهان نیز به جز شماری اندک بر آن فتوا داده اند، ربا را با حيله های شرعی حلال کرد، با آنکه ربا حرام است و چنان سختگیری و مخالفتی با آن در قرآن کریم و همچنین سنت رسیده است

که کمتر درباره معصیتی از دیگر معصیت‌ها روی می‌دهد و نیز در آن مفاسدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که علمای اقتصاد بدان پرداخته‌اند؟ امام (ره) بار دیگر پس از طرح پرسش به اهمیت پاسخگویی به آن تصریح می‌کند و می‌نویسد: این یک مسأله دشوار و بلکه یک گره نزد بسیاری از اندیشمندان است و نیز خاستگاه اشکالی سخت که غیر مسلمانان بر این حکم وارد آورده‌اند (خمینی، بی‌تا: ۱۴۷). مناسب است که جهت روشن شدن مبنای حضرت امام خمینی (ره)، بحث را از دو استفتائی که از ایشان در مورد اجاره به شرط وام» صورت گرفته ادامه دهیم:

- سؤال: در معامله امروزی که اکثر صاحب‌خانه‌ها قب مبلغ زیادی پول می‌خواهند تا فرضاً دو اتاق در اختیار مستأجر قرار دهند و مستأجر هم آن پول را می‌پردازد، لکن یک کرایه‌ای از طرف صاحب منزل گفته می‌شود و مطابق پولی که پرداخته است از کرایه کم می‌کند (بهوتی، ۱۴۰۲، ج ۳: ۶۶۶). مثلاً در ازای دو اتاق هزار و پانصد تومان کرایه و ده هزار تومان پول نقد است. صاحب منزل می‌گوید: اگر شما فلان مبلغ بدهید، بنده در اتاق را مثلاً هزار و سیصد تومان در اختیار شما قرار می‌دهم. با توجه به این که اکثراً در مورد مسأله مذکور، این گونه عمل می‌کنند، بفرمایید این موضوع چه صورت دارد، کم شدن پول نقد جهت کرایه چگونه است؟

- پاسخ: هر نحو معامله که برای فرار از ربا باشد محکوم به حکم ربا و باطل است و کم کردن وجه اجاره به حساب پول قرض، رباست، مگر آن که شرط قرض در ضمن اجاره باشد که در این صورت اشکال ندارد (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۴: ۱۴۹).

- سؤال: شخصی خانه‌ای را به مبلغ ماهیانه پنج هزار و پانصد تومان اجاره می‌نماید و مبلغ یکصد هزار تومان به عنوان ودیعه به مالک می‌دهد که هنگام تخلیه پس بگیرد، ولی ماهیانه مبلغ چهار هزار و پانصد تومان اجاره می‌پردازد و ماهی یک هزار تومان بابت پول که ودیعه گذارده کسر می‌نماید، چون دادن و گرفتن ربا هر دو حرام است، لطفاً روشن نمایید آیا کسر مبلغ یک هزار تومان صحیح بوده یا خیر؟ و اگر ربا محسوب می‌گردد، مستأجر مکلف به پرداخت آن می‌باشد یا خیر؟

پاسخ: در فرض مرقوم اجاره صحیح است ولی باید تمام مال الاجاره را بدون کسر کردن مبلغی بپردازد بلی، اگر اجاره به مبلغ کمتر شده باشد و در ضمن اجاره شرط شده که پولی به صاحبخانه به عنوان ودیعه یا قرض یا غیر آن داده شود، اشکال ندارد (خمینی، بی تا: ۱۴۶). در پاسخ پرسش دیگری در این زمینه می نویسد: کم کردن مال الاجاره اگر به حساب پولی باشد که به مؤجر سپرده اید حکم ربا را دارد. اگر اصل، اجاره بود و شرط وام به دنبال اجاره آمده باشد ربا نیست ولی اگر اجاره ای را به دلیل پولی که وام داده است کم کنند، ربا است؛ چرا که همان وام به شرط اجاره خواهد بود (زبیدی، بی تا، ج ۱۷: ۵۸۵). حضرت امام (ره) در پاسخ هایشان، جداسازی میان قراردادهای درست و نادرست را به خوبی انجام داده اند. در هر کدام، عقود شرعی به عنوان ابزار و وسیله استفاده شده است، فتوا به حرمت آن داده اند (خمینی، ۱۳۹۷: ۴۵). اگر به راستی کسانی بخواهند وامی بدهند و بگیرند و اجاره را گریزی برای ربا سازند، کارشان حرام است و تنها همین را باید گوشزد کرد تا چنین گمان نرود که چهره دین و فقه چیزی جز همان چهره دلپذیر، گوارا، آسان و هموار است.

نتیجه گیری

اینکه با گذشت حدود سی و یک سال از اجرای قانون بانکداری بدون ربا که قرار بود پنج سال اجرا و بازنگری شود این قانون همچنان بدون بازنگری در سیستم بانکی کشور اجرا می گردد و علیرغم اینکه تأثیرات مخرب آن بر اقتصاد و مسایل اجتماعی در علم جدید نیز به اثبات رسیده است و یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی نیز اقتصاد و نظام بانکی بدون ربا بود و به همین دلیل بعد از انقلاب نظام بانکی بدون ربا تبدیل به یکی از مهمترین دغدغه های متدینان جامعه و مسئولان نظام گردیده است، همچنان کارشناسان اقتصادی فهرست بلند بالایی از مصادیق شبهه ربوی بودن که هم اکنون در سیستم بانکی رایج است را ارائه می دهند و دلایلی را برای آن بر شمرده اند از جمله مواردی که مطرح می گردد عدم اعتقاد مسئولان بانکی به نظام بانکی بدون ربا می باشد از نظر ایشان در صورتی که حذف ربا از اعتقاد واقعی مسئولان بانکی سر چشمه نگیرد ربا از بین نمی رود بلکه همراه

برای توجیه آن (فراتر از حيله های شرعی) به توجیهات حقوقی فرار از ربا در قالب قانون، بخشنامه و... تمسک می جویند. بعضی دیگر از کارشناسان صوری بودن قراردادها را عامل اصلی عدم تحقق نظام بانکی بدون ربا می دانند و معتقد هستند که چون در حال حاضر بخش قابل توجهی از عملیات سیستم بانکی صوری است و در قالب عقود منعقد می شوند و سیستم بانکی نیز فاقد نظام کنترل و نظارت است، پس نتیجه می گیرند که ما به این دلیل با بانکداری اسلامی همچنان فاصله داریم. بعضی از کارشناسان نیز ساختار فعلی سیستم بانکی را عامل اصلی عدم تحقق نظام بانکی بدون ربا می دانند و با این استدلال که ساختار فعلی بانکداری در ایران با ساز کار بهره هماهنگ است و بانکداری با بهره مساوی بانکداری با ربا می باشد و این نوع ساختار با بهره هماهنگ است و توجیه بعضی کارشناسان مبنی بر اینکه بهره جبران کاهش ارزش پول است نیز نتوانسته است چاره مشکل باشد. به هر حال امیدوار هستیم پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی شاهد برداشته شدن گام مهمی در جهت تحقق نظام بانکی بدون ربا باشیم.

راهکار و پیشنهاد

با نظر به مطالب ارائه شده در این مقاله به نظر می رسد با شکل گیری عناصر ذیل، می توان تحقق بانکداری اسلامی را انتظار داشت:

۱. اعتقاد واقعی مسئولان بانکی کشور به حذف ربا با دو مؤلفه شریعت و عدالت مد نظر قرار گیرد زیرا در صورتی که حذف ربا، از اعتقاد واقعی مسئولان بانکی سرچشمه نگیرد، ربا از بین نمی رود؛ بلکه همواره برای توجیه آن کوشش می گردد و با تمسک به توجیهات حقوقی و فقهی فرار از ربا را که از گذشته های دور وجود داشته، به صورت قانون، بخشنامه و... دنبال نمایند.

۲. اصلاح ساختار بانکداری کشور و بازنگری در قانون بانکداری اسلامی توسط نهاد های ذیربط چرا که ساختار فعلی بانکداری با ساز و کار بهره هماهنگ است و نیاز است این قانون مورد بازنگری قرار گرفته و قوانینی قابلیت اجرا ندارند اصلاح گردند.

۳. تحقیقات راهبردی و کاربردی دقیق و عمیقی باید انجام بگیرد تا نظام بانکداری ما بیش از پیش از بهره فاصله بگیرد، بدون تردید بانکداری اسلامی به تحقیقات راهبردی و کاربردی نیاز شدید دارد. در حال حاضر احساس می گردد با توجه به اینکه بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی می گذرد، پژوهشکده پولی و بانکی که به عنوان یک قطب علمی و پژوهشی وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در جایگاه بازوی تحقیقاتی این ارگان به شمار می رود تمایلی به این نوع تحقیقات ندارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم و نهج البلاغه و بعد

- ابن عابدین، محمد امین (۱۳۹۹). رد المختار علی الدر المختار، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى، ج ۴
- ابن قدامه، ع. (۱۳۸۸). المغنی علی مختصر فرقی، جلد ۸، بیروت، دارالکتب العلمیه. به نقل از احمدیان سردابی، ابراهیم، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ابن نجیم، زین الدین (۱۴۰۳). الاشباه والنظائر، دمشق: دار الفکر.
- ازهری، محمد (بی تا). تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ج ۷.
- بدوی، ابراهیم زکی الدین (بی تا). نظریه الربا المحرم فی الشریعة الاسلامیة، بغداد: المجلس الاعلی.
- بهوتی، منصور (۱۴۰۲). کشف القناع عن الاقناع، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۳.
- تبریزی، میرزا جواد. (۱۴۱۷). اسس الحدود والتعزیرات، قم، مهر.
- ترمذی، محمد (۱۴۲۲). سنن الترمذی، بیروت: دار الفکر، الطبعة الاولى.
- الجزیری، ع. (۱۴۱۹). کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت علیهم السلام، تالیف السید محمد الغروی، الشیخ یاسرمازح، جلد ۵، منشورات دارالثقلین، بیروت.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). ربا، قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول.

- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه، ترجمه: حاج شیخ محمد السرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
- حسینی عاملی، محمدجواد (بی تا). مفتاح الکرامه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۴.
- حکیم، محمدتقی (بی تا). الاصول العامه للفقہ المقارن، قم: انتشارات مؤسسه آل البيت ۷.
- حلّی، ع. (۱۴۱۳). حق، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، جلد ۹، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۷). کتاب البیع، نجف اشرف: الآداب، ج ۵.
- خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسيله، قم، دار العلم.
- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). مبانی تکلمه، بی جا، بی نا.
- زبیدی، محمد (بی تا). تاج العروس، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۷.
- زرقاء، مصطفی (۱۹۹۴). نظام التأمين حقیقه والرأی الشرعی فیہ، بیروت: مؤسسه الرساله.
- شافعی، احمد (۲۰۰۲). اصول الفقہ الاسلامی، بیروت: الحلبي.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه امامیه، بی جا، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

- عاملی (شهید اول). محمدبن مکی. (۱۴۱۰). اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، بیروت، دارالتراث، اول.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد ۹، ناشر: کتابفروشی داوری، قم.
- عاملی (شهید ثانی). زین الدین بن علی. (۱۴۱۲). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- عاملی (شهید ثانی). زین الدین بن علی. (۱۴۱۳). مسالك الافهام الى تنقیح شرایع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامیة.
- عاملی (شهید ثانی)، علی (بی تا). مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام، قم: دار الهدی، ج ۱.
- عظیم آبادی، محمد (۱۳۹۹). عون المعبود فی شرح سنن ابی داود، بیروت: دار الفکر، الطبعة الثالثة، ج ۹.
- علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۰). المسائل الناصریات (سلسلة الینایع الفقهیة)، بیروت: انتشارات مؤسسه فقه الشیعة والدار الاسلامیة، چاپ اول، ج ۱۶.
- فیض کاشانی، م. (۱۳۹۹). تفسیر صافی، جلد ۲، چاپ اول، دارالمرتضی، قم.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گلپایگانی، م. (۱۴۱۲). الدر المنضود فی الحکام الحدود، تقرير علی کریمی جهرمی، جلد ۳، قم: دارالقران الکریم.
- مجلسی اول، م. (بی تا). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، جلد ۱۰، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم.

- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۶). ملاذ الاختیار فی فهم تهذیب الاخبار، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مرطان، سعید (۱۴۲۲). مدخل للفکر الاقتصادي فی الاسلام، بیروت: مؤسسه الرسالة، الطبعة الاولى.
- مشکینی، میرزا علی. (بی تا). مصطلحات الفقه، بی جا، بی نا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). ربا بانک بیمه، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
- نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة السابعة، ج ۲۳.
- نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دارالاحیاء تراث العربی.



پژوهش‌های حقوقی

Academia.edu
California-San Francisco

TPBIN.com
Sponsored and Indexed

CiteFactor
CiteFactor

مجله‌های ایران
Symposia

REF.IR

Directory of Research Journals Indexing

DRJI

Sponsored and Indexed by CIVILICA

CONF PAPER

ESJI

ICI WORLD of JOURNALS

Bahamayesh.com

پایگاه اطلاع رسانی همایش‌های کشور

sciencealert

easyPapers

Scientific Research Services

INDEX COPERNICUS INTERNATIONAL

کنفرانس‌یاب

www.conferenceyab.ir

SID

تقویت رزومه

داوطلبان آزمون دکتری

اساتید دانشگاه، قضات، وکلا

دبیرخانه: تهران، میدان انقلاب،

خیابان اردیبهشت، پلاک ۱۹۲

واحد پذیرش مقالات:

۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۲۱

واحد صدور گواهی نامه:

۴۴۴۱۷۶۴ - ۲۱

مشاور و راهنمای ارسال مقالات:

۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ - ۰۹۱۰۶۳۶۰۰۲

www.Ghanonyar.ir www.Olomensani.ir

موسسه قانون یار

با همکاری مراکز علمی و دانشگاه‌های داخلی و خارج از کشور همچون مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نمایه مقالات در سایت sid.ir (دانشگاه بین المللی رهنورد/بلخ/افغانستان)
(موسسه بین المللی ici world of journals/ورشو/لهستان)
(انجمن علمی بین المللی citefactor/فینیکس/آریزونا)
برگزار می کند:



همایش ملی مطالعات حقوقی، علوم قضایی پژوهش‌های اجتماعی

۱۳ خرداد ۱۴۰۰ - تهران

محورهای همایش:

- * مقالات در گرایش‌های حقوق خصوصی، حقوق جزا
- حقوق عمومی، حقوق بین الملل، حقوق قضایی، فقهی و ...
- * مقالات در گرایش‌های علوم ثبتی و علوم اقتصادی و بانکی
- * مقالات در گرایش‌ها و موضوعات علوم اجتماعی و علوم تربیتی

روش‌های ارسال مقالات به همایش:

- * ارسال فایل Word مقاله (به همراه شماره تماس) به ایمیل Phdsara@yahoo.com
- * ارسال فایل Word مقاله به واتس آپ یا تگرام شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲



به ده مقاله برتر و برگزیده همایش، ده کتابچه به همراه تقدیرنامه مخصوص اعطا می گردد. به مقالات ارسالی و پذیرفته شده پژوهشگران، گواهی نامه معتبر اعطا می گردد. تمامی مقالات همایش در پایگاه‌ها و سایت‌های ملی و بین المللی نمایه و درج می گردند. داوطلبان مقالات حداکثر سه روز می باشد و گواهی نامه در کمتر از یک هفته صادر می شود.

همایش مطالعات حقوقی، علوم قضایی و پژوهش‌های اجتماعی - موسسه قانون یار - دانشگاه رهنورد (افغانستان) - جهاد دانشگاهی - سال ۱۴۰۰